

بررسی تطبیقی ریاکاران در حکایات کنتربری چاسر و دیوان حافظ

کریم لویمی مطلق^۱

چکیده

ریا در اسلام و مسیحیت مادر بدی‌ها توصیف شده است. در متون مقدس این ادیان، ریاکاران کسانی هستند که در ظاهر به باورهای این دو دین اعتقاد دارند؛ اما در باطن یا با آن‌ها مخالف هستند و یا از آن‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای ارضای امیال دنیوی خود بهره‌برداری می‌کنند؛ اما زمانی که ریاکاران مدعی جایگاهی در ساختارهای قدرت سیاسی شوند، این شرّ نهانی تهدیدآمیز می‌شود. به‌دلیل حضور فراگیر روحانیون ریاکار و نفوذ چشمگیرشان بر ذهن عوام و حضور مؤثرشان در ساختار قدرت، ریاکاری این مردان در جوامع قرن چهاردهم انگلستان و فارس (شیراز) به موضوع اصلی ادبیات آن زمان تبدیل شده بود. در دو شاهکار ادبیات انگلیسی و فارسی این قرن، یعنی حکایت‌های کانتربری اثر جفری چاسر (۱۳۴۲-۱۴۰۰م) و دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (۱۳۲۵-۱۳۹۰م) ریاکاران به‌انحای گوناگون هدف نقد و طنز بودند. این مقاله تلاشی است برای نشان‌دادن این موضوع که علی‌رغم تفاوت در ژانر، این دو اثر بر افشای ریا و ریاکاران تمرکز دارند و آن را برجسته می‌کنند. علاوه‌بر این، به نظر می‌رسد این دو شاعر در پرداختن به مضمون ریای مذهبی، روش‌های مشابهی را در شخصیت‌پردازی در پیش گرفته‌اند و بر ویژگی‌های یکسان و مشترک ریاکاران دینی در این دو اثر تمرکز کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: چاسر، ریا، دیوان حافظ، حکایت‌های کانتربری

۱. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

klmutlaq@scu.ac.ir